

جلسه سوم

نشانه‌ی اهل ایمان؛ دوری از لغو

سوره مؤمنون آیه ۳

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

مومنان کسانی هستند که از هر گونه لغو و بیهودگی روی گردانند

واژگان:

اللَّغْوُ: بیهوده، بی اثر.

لغو یعنی کارهای که خیر و نفعی در دنیا و آخرت از آنها حاصل نمی شود.

مصادیق لغو

چه اموری لغو هستند؟

همان گونه که از معنای لغو استفاده شد، مفهوم لغو وسیع است و تمام اعمال یا گفتار یا افکار یا حرکات بیهوده و بی هدف که انسان را از یاد خدا غافل می کنند و هیچگونه اثر و غرض عقلانی در آنها نیست را دربر می گیرد (اعم از آنکه بار منفی داشته باشد یا مباح باشد) و مصداق روشن آن (به اشاره روایات) اموری هستند مانند: حرف باطل، دروغ، دشنام، غنا، تهمت و نسبت دادن گفتارهای باطل یا عملی ناروا به افراد از دیگر مصادیق لغو است. امام صادق (ع) در تفسیر لغو می فرماید: نسبت دادن گفتار باطل یا عملی ناروا از سوی کسی

بر تو که حقیقتی ندارد، لغو است.^۱ دروغ از دیگر مصادیق لغو و بیهوده گویی در سخن است. (مومنون، آیات ۱ و ۳) هم چنین براساس همین آیات می‌توان سخن بی‌فایده و بیهوده را از مصادیق لغو بر شمرد.

سخنی که بدون ذکر خداوند و بیرون از دایره یاد الهی باشد نیز از سخنان لغو و بیهوده دانسته شده است. از امیرمومنان روایت است که لغو را به هر گفتار و سخن بی‌یاد و ذکر خداوند تفسیر کرده است.^۲

هر عمل بی‌فایده از مصادیق دیگر لغو است. همچنین از آیات قرآن بدست می‌آید که آمیختن زندگی به اعمال و رفتار لغو نشانه‌ای از ضعف ایمان است. غنا و موسیقی مطرب و غنایی از دیگر مصادیق لغو می‌باشد که در روایات تفسیری بدان اشاره شده است.^۳

فحش و ناسزا نیز به عنوان مصادیقی از کلام لغو و بیهوده مطرح است.^۴ هم چنین سوگند و قسم‌ها از مصادیق لغو دانسته شده است.^۵ هرچند که خداوند در آیه ۸۹ می‌فرماید، مومنان را به سوگندهای لغوشان مواخذه نمی‌کند، ولی مومنان باید بدانند که این کار تأثیرات سوئی در زندگی دنیوی و اخروی آنان دارد و می‌بایست شاکر و سپاسگزار خداوند باشند که تأثیرات سوء و بد سوگند را کم کرده است تا مومن به سبب آن در ورطه گمراهی و شقاوت نیفتد. با این همه باید هوشیارانه عمل کرد و از هرگونه سوگند و «به خدا قسم» کردن در هرکاری خودداری کرد. در روایت است که امام زین العابدین (ع) حتی حاضر نشد برای اثبات حق خویش سوگند راست بخورد، پس چگونه به خود اجازه می‌دهیم که سوگند دروغ یا بیهوده بخوریم تا امری را به کرسی بنشانیم.^۶

مراتب لغو

لغو نسبت به افراد و کارها و شرایط و زمانه نیز متفاوت است.

با توجه به اینکه از پاسدار عالی بودن انتظار است، لغو در زندگی پاسدار گستره بیشتری خواهد داشت.

۱ - تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۲۹، حدیث ۱۶، ذیل آیه ۳ سوره مومنون

۲ - تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۲۹، حدیث ۱۵

۳ - تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۲۹، حدیث ۱۷

۴ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۸

۵ - مائده آیات ۸۷ تا ۸۹

۶ - فروع کافی، ۷۹۰/ص ۴۳۵، کتاب ایمان.

ممکن است کاری برای یک نفر لغو نباشد ولی برای یک پاسدار یا روحانی ممکن است لغو تلقی شود.

بلکه در بین پاسداران نیز ممکن است امری نسبت به یک پاسدار لغو نباشد ولی برای پاسدار دیگری (همچون فرمانده و مسئول) لغو محسوب شود. (حسنات الابرار سنن المقرین)

امام خمینی (ره) در کتاب شرح جنود عقل و جهل مواردی را توصیه می کند:

۱- سکوت و حفظ زبان از لغو و باطل ، از فضایل و کمالات انسانی است؛ بلکه اختیار زبان را داشتن و این مار سرکش را در تحت اختیار در آوردن از بزرگترین هنرمندی ها است که کمتر کسی می تواند به آن موفق شود، و اگر کسی دارای چنین قدرتی شد ، از آفات و خطرات بسیاری محفوظ ماند؛ زیرا که زبان دارای آفات و خطرات بسیاری است ؛ بعضی برای آن قریب بیست آفت ذکر کردند و شاید از آن هم بیشتر باشد.

۲- در خصوص سخنان لغو بیهوده و کلمات زشت ناشایسته باید دانست که آنها بسیار مضر به حال روح است ، و نفس را از صفا و صلاح و سلامت و وقار و طمانینه و سکونت ساقط می کند، و جلالت و کدورت و قساوت و غفلت و ادبار آورد ، و ذکر خدا را از نظر بیندازد ، و حلاوت عبادت و ذکر الله را از ذائقه روح ببرد، و ایمان را ضعیف و ناچیز کند ، و دل را بمیراند ، و لغزش و خطا از آن زیاد شود ، و پشیمانی بسیار بار آورد و کدورت بین دوستان و دشمنی بین مردم ایجاد کند ، و مردم را به انسان بدبین کند ، و او را از نظر آنان بیندازد، و اطمینان و وثوق از او ساقط شود ، و او را در نظر مردم بی مقدار و بی وزن کند. و اینها در صورتی است که بر کلام او مترتب نشود معصیتهای گوناگون لسانی .

و خیلی کم اتفاق افتد که انسان که به لغو و باطل اشتغال پیدا کرد و زبان را در تحت میزان صحیح در نیاورد، از معاصی و گناهان محفوظ ماند و به همان لغو و بیهوده تا آخر به سر برد. از این جهت، درباره سکوت و صمت سفارش بسیار شده است.

لزوم اعراض از لغو

از آن جایی که اسلام برنامه ای برای زندگی بشر در دنیا دارد، به تمام جزئیات زندگی او توجه داشته و سبک خاصی از زندگی را ارائه نموده است که می بایست بر پایه و اساس آن رفتار نماید. از این رو به اموری

که بازدارنده و مانع حرکت انسان به سوی متاله و خدایی شدن و خلافت یابی باشد، توجه داشته و از عمل به آن پرهیز داده است.

از نظر قرآن، فرصت کوتاه عمر آن اندازه زیاد نیست که انسان خود را به کارهای بیهوده نسبت به هدف و فلسفه آفرینش، مشغول دارد. هرکاری که انسان انجام می‌دهد باید یا اصل هدف و فلسفه بدان تحقق یابد، یا شرایط و بستر ساز مناسبی برای تحقق و رسیدن به هدف باشد.

خداوند در آیاتی از جمله ۶۲ سوره مریم، ۱ و ۳ سوره مومن و ۷۲ سوره فرقان و ۵۵ سوره قصص و مانند آن، اجتناب از هرگونه کار لغو و بیهوده را امری مطلوب و پسندیده برشمرده و از مومنان خواسته تا از نزدیکی و عمل به این کارها اعراض نمایند؛ چرا که اعراض از امور لغو و بیهوده به معنای فراهم آوردن زمینه مناسب برای انجام کارهای مفید و سازنده قرار گرفتن در فرآیند خدایی شدن و در نتیجه رستگاری و فلاح است.

برخورد کریمانه با لغو و اهل لغو

این که مومنان به سبب ایمانشان از امور لغو پرهیز می‌کنند، از آن روست که ایشان به هدف آفرینش، بصیرت یافته و با بینش و نگرش الهی به مسائل هستی و موضوعات آن می‌نگرند و کارهای خویش را براساس این هدف و فلسفه آفرینش سامان می‌دهند و در نتیجه آن هرگز گرایش به امور بیهوده و لغو پیدا نمی‌کنند که آنان را از هدف و مقصد و مقصود هستی و آفرینش یعنی خدایی و متاله شدن باز می‌دارد.

نتیجه ایمان و بینش و نگرش الهی و عقلانی بشر به موضوعات و مسائل دنیا، این خواهد بود که خود را از هرگونه کار بیهوده و لغو دور نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد تا دیگران و یا شرایط بیرونی زندگی او را مدیریت کند، بلکه خود با عقل خویش به مدیریت خود و محیط پیرامونی می‌پردازد و لذا در برابر رفتارها و گفتارهای لغو و بیهوده بی‌خردان، کریمانه می‌گذرد و خود را درگیر آن نمی‌کند تا وقت خود را به بطلالت و بیهودگی تباه کند و فرصت شدن عمر خود را برباد دهد. برخورد کریمانه اهل ایمان و خرد به گونه‌ای است که بزرگوارانه از لغو دیگران چشم پوشی می‌کنند و وقت خود را به دفاع از خود و یا موضوعی تباه نمی‌سازند، در حالی که می‌دانند مخاطب، انسانی بی‌خرد و لغوگرا و بیهوده گو است. عبور از هرگونه اعمال و رفتار لغوی که شرایط بیرونی می‌کوشد تا بر انسان مومن و خردمند تحمیل کند، تنها با برخورد کریمانه ممکن و شدنی است و این همان مدیریت درست و مناسب زندگی است که انسان می‌بایست یاد بگیرد و بدان عمل کند.^۷

۷- فرقان، آیات ۶۳ و ۷۲ و نیز جامع البیان، ج ۱۱، جزء ۱۹، ص ۶۳

به هر حال، انسان مومن و خردمند کسی است که کریمانه و بزرگوارانه از کنار اهل لغو و بیهوده می‌گذرد و کاری نمی‌کند که در دام کلام و رفتار ایشان افتد. بنابراین تلاش می‌کند تا کمتر با آنان روبه‌رو شود و با اجتناب از اهل لغو و مجالس ایشان، اجازه نمی‌دهد تا شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که درگیر اهل لغو یا کارهای لغو گردد.^۸

انسان لازم است که همان گونه که از لغو پرهیز و اعراض می‌کند، هم چنین از اهل لغو نیز اعراض و اجتناب نماید. از این رو خداوند در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره قصص تبری جویی مومنانی از اهل کتاب از لغو و اهل لغو را ستایش می‌کند. علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ۷۲ سوره فرقان به این نکته اشاره دارد که مقصود از «مروا باللغو» اجتناب و عبور از اهل لغو است.^۹

بنابراین، انسان مومن و خردمند نه تنها گوش به کار لغوی نمی‌سپارد و تن به آن نمی‌دهد، بلکه هر گاه لغوی را شنید، بزرگوارانه می‌گذرد؛ زیرا بر این باور است که هر کس با اعمال خویش خود را می‌سازد و در آخرت و پایان و فرجام کار معلوم می‌شود که چه کسی سود برده و چه کسی زیان کرده است. از این رو می‌گویند: هر که به کار خویش. یا هر کسی کار خودش، بار خودش.^{۱۰}

پیام‌ها

۱. نشانه‌ی ایمان، دوری از لغو است. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمن باید در تمام کارها و سخنان خود هدف صحیح داشته باشد)

۲. دوری از لغو، به اندازه‌ای مهم است که بین نماز و زکات ذکر شده است. «خاشعون - معرضون - للزکوة فاعلون»

۳. مؤمنان راستین، انسان‌هایی سنجیده کار و درست گفتاراند. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»

۴. آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است. «قد أفلح المؤمنون ... وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»

۸ - فرقان، آیه ۷۲ و المیزان، ج ۱۵، ص ۲۴۴

۹ - المیزان، ج ۱۵، ص ۲۴۴

۱۰ - قصص، آیات ۵۲ و ۵۳